

یادگار

صفر - ربيع الأول ۱۳۶۶

ژانویه - فوریه ۱۹۴۵

بهمن ماه ۱۳۲۳

سال روز

کتاب درسی و لغت سازی

اولیای وزارت فرهنگ ما اخیراً دستوری با اصطلاح فرهنگستان بخشنامه ای بامضای آقای دکتر صدیق وزیر فرهنگ و معاون فرهنگستان صادر کرده اند در باب لغات ریاضی که در کتب درسی جدید وارد شده و باعث اشکال فهم مطالب و موجب هرج و مرج در کار تدریس گردیده است .

این « بخشنامه » را اگر « توبه نامه » بخوانیم بیمورد و بیجانیتست زیرا که در آن پس از ذکر چند مثال بسیار مضحک از حالت خود سری و هرج و مرجی که در امر ساختن لغات و استعمال اصطلاحات تازه و بی معنی پیش آمده چنین مذکور است :

« بجای مذکور در فوق فرهنگستان ایران در ضمن تجدید نظری که در معادلهای مصوب و تعیین طرز استعمال صحیح و جدا کردن آنها از مشتقات و معادل‌های ناصواب رایج در خارج بعمل می‌آورد از لحاظ فوریت و اهمیت موضوع در مورد کتب ریاضی تصمیم گرفت که لغات و اصطلاحات علوم ریاضی که سابقه در

زبان فارسی دارد و اخیراً لغات جدیدی بجای آنها بکار برده شده است
کما فی السابق معمول و مجرا گردد».

در این دستور فرهنگستان بعد از ده سال تیشه زدن بریشهٔ زبان فردوسی و
سمعی و حافظ یا باصطلاح این بخشنامه « معادل سازی » اینک بر اثر نتایج سوئی
که از این خرابکاری حاصل شده اجازه می دهد که لغات و اصطلاحاتی را که سابقه
در زبان فارسی دارد کما فی السابق استعمال کنند و در حقیقت با این اجازه از این
فترتی که پیش آمده بدون اینکه اقرار کنند معذرت میخواهد و توبه میکند اما
بدبختانه این توبه باز چنانکه شاید و باید چندان از سر صدق و صفا نیست و آن رایحهٔ
ندامت و تبری از معاصی که گناه کار را شایسته و مستحق غفران و بخشایش نماید از
آن استشمام نمیشود، این حال بی اختیار شخص را بیاد شعر آن شاعری می اندازد
که میگوید :

دردل هوس گناه و بر لب توبه زین توبه نادرست یا رب توبه

اگر چنین نیست چرا فرهنگستان صاف و ساده نمیگوید که عمل سابق غلط
ولغو بوده و هرج و مرجی که امروز مشاهده میشود بهترین دلیل غلط و لغو بودن
آنست، بعد از این نباید در این عمل اصرار شود و هیچکس نیز اجازه ندارد که
باین کار دست بزند.

بدبختانه دستور وزارتتی یا بخشنامهٔ فرهنگستان نه اینکه از این صراحت لہجه
خالی است بلکه معلنین را دعوت میکند که : « با مراجعه بفرست های رسمی لغات
مصوب فرهنگستان و دقت در موارد استعمال صحیح و مخصوص آنها از استعمال و
آموختن معادلہائی که از مصوبات فرهنگستان نبوده و همچنین از استعمال مشتقات
غیر مصوب که از طرف بعضی از مؤلفان و معلمان معمول شده است جدا خود داری
نمایند » .

سبحان الله ! اگر استعمال لغات قیاسی است پس هر کس حق دارد که لغت
بسازد و مشتقات درست کند ، بنا بر این « مشتقات مصوب » و « مشتقات غیر مصوب »
یعنی چه ؛ مگر فرهنگستان پارلمان است و اعضای آن از طرف اهل ادب این مملکت
برای عمومی و مخفی برگزیده شده اند تا مردم بایشان جواز داده باشند که بجای

تمام ایشان « مشتقات مصوب » درست کنند و اگر دیگری در این کار مداخله کرد محکوم و ملعون باشد؛ چون چنین حقی کسی باعضای فرهنگستان نداده بفرض این که استعمال لغات قیاسی شمرده شود هر کس که بزبان فارسی آشنائی دارد عیناً صاحب همین حق خواهد بود و شاید هم در میان این جماعت کسانی پیدا شوند که از جهت حسن سلیقه و لطف و ذوق دست کمی از اعضای فرهنگستان ما نداشته باشند.

نکته اساسی اینست که لغات قیاسی نیست و هیچکس یا هیچ جمعیتی نمیتواند و حق ندارد که لغت بسازد و قیاساً مشتقات تصویب کنند. علمای لغت همه وقت و در همه جا گفته اند که لغات توقیفی و موروثی است، استعمال عامه و حسن قبول خواص اهل ادب از همین استعمالات عامه و ذوق زمان بیک لغت حق حیات و جواز آزادی استعمال میدهد و تا این حال باقیست کسی یا هیأتی نمیتواند تیغ بی دروغ برکشد و آنرا بکشد و ساخته و پرداخته خود را که نه عامه آنرا میفهمند نه مقبول خواص و ذوق زمانه است غاصبانه بر جای خود بنشانند.

در همین بخشنامه نوشته شده است که: « لازم است در سال تحصیلی جاری نیز کلیه معادلهای مصوب فرهنگستان را در مورد علوم ریاضی با اشاره بلغات معمول سابق بکار برند مثلاً هنگام تدریس مبحث «افزایش» در حساب یادآوری نمایند که در این مورد کلمه «جمع» نیز میتوان بکار برد تا بتدریج ذهن دانش آموزان با لغات رایج سابق که بعضیها تصور کرده اند باید بکلی متروک شود آشنا تر گردد و بدانند که حتی در استعمال معادلهای جدید مصوب فرهنگستان هیچگونه اجباری وجود ندارد و نیز بایمان ساده توضیح داده شود که منظور از انتخاب معادلهای فارسی برای اصطلاحات علمی نهی استعمال لغات رایج سابق نبوده و بلکه اختیار غالب معادلهای مذکور فقط بعنوان تعیین مرادف است نه بقصد منع استعمال کلمات سابق ».

گذشته از اینکه کلمه «افزایش» یعنی «مشتق مصوب» فرهنگستان بهیچوجه معنی کلمه «جمع» را در مورد آن عمل حساب که همه میدانیم نمیرساند و اگر هم از جهت معنی لغوی با آن بقول این بخشنامه «مرادف» باشد باز مصطلح و مفهوم نیست و ساختگی و قرار دادی است این قسمت از بخشنامه سراپا ساده لوحانه و سفسطه آمیز است. منشی این بخش نامه مینویسد که ما کلمه «افزایش» را وضع کرده ایم تا بتدریج

ذهن دانش آموزان با لغت فارسی رایج سابق یعنی «جمع» آشنا تر گردد. آیا ذهن مردم ایران از بقال گرفته تا مستوفی الممالک از هزار سال پیش بکلمه جمع آشنا تر بوده است یا بکلمه افزایش که هیچوقت در فارسی بجای جمع یعنی آن عمل حسابی معروف معمول نبوده؟ بلی در حسابهای دیوانی عهد ساسانی دیران ایرانی (دیر در اینجا بمعنی منشی است نه بمعنی بیمعنی معلم دوره متوسطه چنانکه اعضای فرهنگستان تصویب فرموده اند) عمل جمع و تفریق حسابی را بنام «کاست و افزون» میخوانده اند ولی این اصطلاح با انقراض دولت ساسانی از میان رفته و هیچکس بعد هادیگر آنرا استعمال نکرده است.

گذشته از این در این جمله چنین مذکور است که: «دانش آموزان..... بدانند که حتی در استعمال معادلهای جدید مصوب فرهنگستان هیچگونه اجباری وجود ندارد..... و توضیح داده شود که منظور از انتخاب معادلهای فارسی نهی استعمال لغات رایج سابق نبوده... الخ».

ما از این اقرار اعضای محترم فرهنگستان که در استعمال لغات آن مؤسسه هیچگونه اجباری وجود ندارد و غرض ایشان نهی استعمال لغات رایج سابق نبوده بسیار خوشوقتم. اما اگر حافظه ما هم مثل حافظه اعضای فرهنگستان کوتاه نیاید و درست کار کند بیاد داریم که چقدر بقول خود ایشان بخشنامه های شدید در باب لزوم استعمال لغات مصوب فرهنگستان و تهدید مردم در صورت تخلف صادر شده است حتی برای آنکه امثال نگارنده جسارت تخلف نداشته باشند کار را با آنجا کشانند که لغات مصوب فرهنگستان را بصحبه ملو کانه موشح سازند تا کسی دیگر جرأت مخالفت نکند. یکی از وزرای عدلیه وقت که در این راه اصراری بخصوص داشت و مشتق و مری کبی نبود که از کلمه «داد» معمول نکرد روزی در یکی از جلسات فرهنگستان بزور همان چماق «صحبه ملو کانه» نگارنده را ظاهراً ساکت ساخت و چیزی نمانده بود که باصطلاح فرهنگستان يك و پرونده نیز برای او درست شود. چرا برای اینکه نگارنده اصرار داشتم که کلمه «برق» بهمین معنی معمول و مصطلح و مفهوم امروزی بجایماند و ایشان میخواستند آنرا بجرم اینکه يك سر آن قاف عربیست

بلغاتی نظیر کاهربا و الکتربسته مبدل سازند.

باری درد دل ما از این فرهنگستان که کار خرابی زبان فارسی را بخدی رسانده که شوری آنرا حتی «خان» هم فهمیده و بفریاد و توبه و انابه برخاسته است زیاد است شرح این درد دل را علی‌المجاله برای موقعی دیگر میگذاریم و اجمالاً میگوئیم که تا فرهنگستان بییع قطع از لغت سازی یا مجامله و مساهله در باب غلط کاریهای سابق خود دست بر ندارد و مثل آکادمیهای سایر ممالک بکارهای اساسی تر نپردازد که مآل و منظور از آنها اشاعه و بسط ادب و حفظ لغت فارسی باشد نه تخریب بنیان و انهدام اساس آن این نزاع ما با آن برقرار خواهد ماند و یقین داریم که در این مبارزه ما تنها نیستیم بلکه جمع کثیری از علاقه مندان واقعی بزبان و ادبیات فارسی و ارباب فهم و ذوق در این مرحله پشتیبان ما هستند و خواهند بود بنابراین از این موضوع میگذریم و بموضوع دستور وزارت فرهنگ در باب اصطلاحات و لغات کتاب درسی ریاضی بر میگردیم. اولیای وزارت فرهنگ در این «بخشنامه» از خود سزای بعضی از معلمین در وضع اصطلاحات و لغات جدید نالیده و از دکانی که دیگران بالا دست دکان فرهنگستان باز کرده اند عصبانی شده اند. این ناله و اظهار عصبانیت بکلی بی مورد است زیرا که این کار اگر خوب است چرا حق انحصاری آن امتیاز مخصوص اعضاء فرهنگستان باشد و اگر بد و قابل ملامت است چرا خود این باب را مفتوح کردند و با این عمل اجازه ضمنی بهر کس دادند تا از سر جهالت یا غرض ورزی لغت سازی کند و از اعضاء فرهنگستان در این میدان بیشتر بتازد.

وقتی که از حدود سال ۱۳۱۲ مای دیدیم که از کارخانه لغت سازی اطاق وزیر معارف وقت اصطلاحاتی نظیر دانشگاه و دانشکده و دانش سرا و دانشیار و دبیر و دفتر خانه و فرهنگ و غیرها بیرون می آید و ما با تمام قوی از پیشرفت این جنایت ادبی جلو گیری میگردیم عاقبت سوء این بدعت را میدانستیم. بدبختانه در این مبارزه ما مغلوب شدیم زیرا که یکمده از همکاران ما یا از ساده لوحی یا برای مزاج گوئی و تقرب بمقام وزارت جانب بدعتگذاران را گرفتند و با آوردن شواهد و امثله نجس و بی مورد و تشویق و ترغیب ایشان سده سیدی را که در مقابل این سیل خانه بر انداز وجود داشت شکستند و کار را بروز امروز کشانند.

نونهالان ما که حالیه در مدارس در فهم این لغات و اصطلاحات عاجز میمانند و فرا گرفتن آنرا بسی مشکلتر از قضایای ریاضی می یابند باید از جان و دل بکسانی

که اول بار این راه را باز کرده و این بدعت را گذارده‌اند نفرین و لعنت بفرستند و کسانی هم که امروز با صدور این قبیل «بخشنامه»ها درحقیقت میخواهند گناهان دیروز خود را کفاره بخشند باید بدانند که این معصیت از نوع آن معاصی کبیرا است که کفاره پذیر نیست و مرتکب تا ابد بتوابع آن گرفتار خواهد ماند و حاصلی جز نفرین و لعنت برنخواهد داشت، چه خوش گفته است اسدی شاعر آنجا که میگوید:

منه نورهی کلان نه آیین بود
که تا ماند آن بر تو نفرین بود

چون مادر این مرحله از اولیای وزارت فرهنگ و اعضای فرهنگستان بکلی مایوسیم و در ایشان آن شهامت و جلالت را نمی بینیم که بر خلاف سیره و روش خود برفع خطر عظیمی که در راه تعلیم و تربیت اطفال بیگناه ایرانی پیش آورده‌اند بکوشند و این تخته سنگ مهیبی را که در خط سیر ایشان ایجاد کرده‌اند بردارند. معلمین و آموزگاران محترمی را که از هر کس بهتر باین مشکل پی برده‌اند و از هر کس هم بیشتر بر شد و نمو نونهالان زیر دست خود علاقه دارند مخاطب ساخته ایشان را بجزت و حرمت زبان و ادبیات شیرین فارسی و بعشق و محبت پاکی که بتربیت و ترقی اطفال ایرانی دارند سوگند میدهم که از استعمال کلیه لغات و اصطلاحاتی که فرهنگستان تصویب کرده یا این و آن بهوی و هوس خود ساخته و بدست کرسی نشینان فرهنگستان بتصویب رسانده و بصحّه ملوکانه موشح نموده‌اند و استخدام آنها موجب صعوبت فهم شاگردان و اغلاق و اشکال دروس ساده شده است خودداری بفرمایند و تعلیمات خود را بهمان زبان و بیان که اطفال ساده‌ذهن میفهمند اند و پدران ایشان میفهمیده‌اند تقریر نمایند و از هیچ کس هم بیم و باکی نداشته باشند. عذر شما را در اختیار این راه ذوق سلیم و سلیقه مستقیم و فهم درست همان شاهگردان خردسال شما بهر کس که مدعی خلاف این طریقه باشد خواهد فهماند چه غرض اصلی از هر تعلیم و تدریسی سهولت فهماندن مطالب است بزیر دستان و بیخبران. هر زبان و لغت و اصطلاحی که باعث اشکال این کار شود و سد راه فهم و ادراک باشد بی‌معنی و دور انداختنی است بخصوص که آنرا جمعی از پیش خود ساخته و خود نیز پس از مدتی فشار و تهدید و تحمیل آنها بزور «بخشنامه» و «صحّه ملوکانه» بنا بر سستی و نادرستی آنها پی برده و با صدور دستور نظیر بخشنامه ای که در صدر این مقاله بآن اشاره کردیم «مجبوبانه» حکم محکومیت و جواز الغای آنرا صادر کرده باشند.